

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

رضا خسروی
ارسالی مجله هفته
۱۱ نومبر ۲۰۱۸

امپریالیسم امریکا در رأس لیست تروریسم بین المللی



اشغالگری های امپریالیسم امریکا

مرحله اول: ۱۸۹۸/۱۹۱۴ میلادی

سیاست درهای باز

منافع میرم تجاری ما را می توان در دو جمله خلاصه کرد: **بازارهای بیشتر**. **بازارهای وسیعتر**. بازارهایی که می باید از جنگ بقیه قدرتهای موجود در روی زمین خارج شوند.

از سخنان آقای ریچارد اولنی، وزیر بازرگانی ایالات متحده امریکا در فاصله سال های ۱۸۹۷/۱۸۹۵

همین سیاست تجاری - تروریستی بود که تا پیش از جنگ اول جهانی در امریکای مرکزی به اجراء درآمد و اشغال کشورهای مستقل در منطقه را به دنبال داشت: **جزایر میدوی** ۱۸۶۷ میلادی، **ویک** ۱۸۹۹ میلادی... را از جنگ خلق ها و دولی که استقلال خود را با مبارزه ای جانانه در قبال اشغالگران اسپانیایی به دست آورده بودند، خارج کرد.

پایگاه‌های نظامی امروز امپریالیسم امریکا در منطقه.

فتوحات «درخشان»؟!؟

سخن بر سر نفوذ ریاکارانه امپریالیسم امریکا – به نام «آزادی و دموکراسی»؟! در جنبش‌های استقلال طلبانه خلق‌های لاتین در مستعمرات اسپانیا در سال‌های ۱۸۹۸/۱۹۰۲ میلادی بر اساس «سیاست درهای باز» است، که عاقبت به مهار استقلال طلبان و تسلط انحصاری امپریالیسم امریکا بر یک سلسله از کشورهای لاتین منجر شد: کوبا، به سال ۱۸۹۵ میلادی. پورتوریکو، ۱۸۹۸ میلادی. فیلیپین، ۱۸۹۹/۱۹۰۲ میلادی. گوام، ۱۸۹۸ میلادی...

من مأمور وال استریت بودم

نقل از کتاب جنرال باتلر (جنگ یک کار کثیف) یکی از افسران ارشد ارتش امریکا

جمهوری‌های «نمایشی»؟!؟

این طنز ادبی، نامگذاری، به آن ۱۲ کشور امریکای مرکزی اشاره دارد که قبلاً، با پیکاری مسلحانه علیه استعمارگران اسپانیایی استقلال خود را به دست آورده بودند، ولی بعدها، مثل کشورهای لاتین (شرح فوق)، غفلت کردند و به دام نوعی «دموکراسی»! عوامل امپریالیسم امریکا افتادند، استقلال خود از دست دادند، دچار ترور و اختناق شدند، بعد از کلی قربانی، از پا درآمدند...

هاوایی: امپریالیسم امریکا، پادشاهی مستقل هاوایی را، گویا چون فرمانروای وقت تسلیم کمپانی‌های شکر و راه آهن و شبلیات... امریکائی شده بود؟! جمهوری خواند و بلعید، مصادره کرد. **مکزیکو:** که به یاری کمپانی نفتی – مالی راکفلر به سومین کشور نفتی بزرگ جهان بدل شده بود... (۱۸۷۶/۱۹۱۱ میلادی)، سرانجام توسط امپریالیسم امریکا، همراهی کلیسای کاتولیک و اشراف داخلی – با اسم رمز «انقلاب ضد دیکتاتوری»! مورد هجوم قرار گرفت (۱۹۱۳/۱۹۱۶ میلادی). **گواتمالا،** که از ۱۸۲۱ میلادی کشوری مستقل شده بود، به دست عوامل مورد «اعتماد داخلی»! سفارشی‌های امپریالیسم امریکا افتاد (۱۸۷۶/۱۹۱۱ میلادی). **کوستاریکا،** توسط سلاطین مالی و صنعتی و تجاری امریکا اداره می‌شد. **هندوراس،** مستقل از سال ۱۸۲۱ میلادی... هفت بار توسط امپریالیسم امریکا مورد حمله قرار گرفت و از پا درآمد (۱۹۰۳/۱۹۲۵ میلادی). **نیاکاراگوئه،** (۱۹۰۳/۱۹۲۵ میلادی). **جمهوری دومینیکن و پاناما** در آستانه قیامی همگانی، به خاطر منافع انحصارات امریکائی؟! اشغال شدند...

مرحله دوم: ۱۹۱۴/۱۹۱۸ میلادی

سیاست اشغالگری

وقتی که تجارت از مرزهای ملی فراتر رفته و کارفرما جهان را بازار خود می‌داند، شعار ملی ما می‌باید همین گرایش را دنبال کند، دروازه‌های بسته ملت‌ها می‌باید منفجر شوند.

بیانات آقای ویلسون، رئیس جمهور قانونی ایالات متحده امریکا از ۱۹۱۴ میلادی...

همین گرایش غلیظ کارفرمائی بود که قتل عام بومیان قاره امریکا را موجب شد، دنیای زنده‌ها را هدف گرفت، با **انحصارات انگلیس و فرانسوی و آلمانی...** جوش خورد، در جنگ اول جهانی برسر تقسیم بازار بین المللی به کار رفت. جنگی با نتایج «نا منتظر»؟! مختلف و متقابل:

الف) پیروزی انقلاب همگانی، کارگری – دهقانی در روسیه و حذف تزاریسیم، شریک ستراتیژیک لردیسم و بناپار تیسم.
ب) حضور آشکار امپریالیسم امریکا، چشم به راه غنائم... به سود لردیسم و بناپار تیسم در جنگ.

پ) سقوط دولت موقت، سوسیال-دمکرات کرنسکی و شرکاء و پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتوبر، با رهبری حزب بلشویک، در روسیه.

ت) فروپاشی امپراتوری فرتوت عثمانی، همدست مصلحتی-ستراتژیژیک المان، با آن سرزمین گل و گشاد، کلی منابع مواد خام و انرژی... که از پیش تقسیم شده بود!؟ پاره پاره، از میان رفت، نا پدید شد.

ث) امپریالیسم المان، آغاز گر جنگ، مدعی نوعی «پیروزی برق آسا»! سرخورده و مأیوس، هیچ چاره ای نداشت، از تمام دعاوی بین المللی خود در گذشت، گویا «بدون قید و شرط»؟! تسلیم شد.

چون «محرمانه»! با دول امپریالیستی غالب، انگلستان و فرانسه و امریکا، برای درهم شکستن دشمن نا خوانده و مشترک، حکومت نو خاسته، بلشویکی شوروی، به توافق رسید، متولیان دمکراسی توطئه و حقه بازی، دلالی و کارچاق کنی... ستراتیژی واحدی در پیش گرفتند...

مرحله سوم: ۱۹۴۵/۱۹۱۸ میلادی

نظم «نوین»!

دسترسی آزاد و یکسان برای کالاها و سرمایه در همه جای جهان

یاد داشتهای سه گانه آقای جان های، وزیر خارجه ایالات متحده امریکا، ۱۹۰۲/۱۸۹۹ میلادی

همین نظم وال استریت - تروریستی بود که رقیبان سمج اروپائی را قفلک داد، به سمت فاشیسم و نازیسم کشید، جنگ دوم جهانی را برای نابودی دیکتاتوری پرولتاریا، کنترل انحصاری بازار بین المللی، منابع طبیعی، ذخائر مواد خام انرژی... در تمام مناطق، تسلط بر تولید و بازرگانی جهان رقم زد.

کودتاهای ننگین

در آسیا و افریقا و امریکای لاتین - جنوبی: در ایران، کشور ما، ۱۹۵۳ میلادی، یا ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ خورشیدی. اندونزی، ۱۹۶۵ میلادی. کامبوج، ۱۹۷۵ میلادی، در کنگو و سومالی و تانزانیا و بورکینافاسو و ساحل عاج... کوبا و ونزوئلا و پاناما و هائیتی و نیاکاراگونه... ترکیه و پرتغال و یونان...

دیپلماسی شرطی

فلج کردن نهادها، ارگانهای حقوقی، تصمیم گیری های جمعی، قانونگریزی، ماجراجویی، نقض موازین شناخته شده بین المللی، ترور و اختناق، کشتارهای نوبتی، سلاخی های نیابتی، اسرائیلی و عربستانی و اماراتی... کار شکنی در شرایط اضطراری، توطئه و تحریک، تحریم و تهدید، محاصره اقتصادی و نظامی، دعوای مذهبی و قومی، جنگ های ویرانگر در کوریا و ویتنام و لائوس و کامبوج... در فلسطین و سوریه و لبنان، کشتار خلق ها، سرکوب ملت ها، اشغال یوگسلاوی و افغانستان و عراق و لیبیا...

ناگفته نماند که امپریالیسم ویرانگر امریکا، با حفظ همین خصوصیات تروریستی، عادت های اشغالگرانه، دالری - وال استریتی، افسار دمکراسی توطئه و حقه بازی، دلالی و کارچاق کنی... افسار ناتوچی ها، آقای «اتحادیه بین المللی»! را دست دارد، جهان سرمایه داری را نمایندگی می کند. نباید این هرزه «مجنون»! هیتلر زمانه، جنایتکار جنگی، دشمن اصلی آزادی و استقلال خلق ها و ملت ها، دشمن پیشرفت و رفاه، دانش و آموزش، دشمن تمدن بشری را دستکم گرفت - چون این هیولا، تروریست کور، تا نمیرد آرام نمی گیرد...